



برق بعضی مناطق، سه بار در روز قطع می شود



نگاه تحلیلگر

موالیان مدرن کدخدای دیرین



هانی رستگار

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

بار دیگر صحنه‌ای در برابر چشم جهانیان نقش بست که بیش از هزار کلام معنا داشت: سران اروپایی، رهبران مدعی استقلال و هویت سیاسی، در برابر رئیس جمهور ایالات متحده گرد آمدند؛ گویی جمعی از مراجع محلی در برابر کدخدای دهکده‌ای نشسته‌اند. نگاه‌ها، حرکات و حتی فاصله صندلی‌ها همه چیز را روایت می‌کرد؛ اینجا، کدخداست که حرف اول و آخر را می‌زند، و دیگران در مقام تأیید یا دلجویی از او به صف نشسته‌اند.

این تصویر ساده نبود؛ نه تنها بازتاب یک جلسه سیاسی، که بازتاب جایگاه اروپا در معادلات جهانی بود. اروپا که روزی خود را محور تمدن غرب می‌دانست و برای استقلال راهبردی شعار می‌داد، امروز در برابر سیاست‌های تند و غیرقابل‌پیش‌بینی آمریکا، همچون پیروان گوش به فرمان نشسته است. صحنه دیدار اخیر نشان داد که شکاف میان ادعا و واقعیت، تا چه حد عمیق است.

در نگاه نخست، شاید این صرفاً یک نشست عادی دیپلماتیک باشد، اما در تحلیل رفتاری، چینش و زبان بدن اهمیت دوچندان دارد. ترامپ در جایگاه برتر، تکیه بر صندلی قدرت داده و دیگران به شکل نیم‌دایره مقابل او قرار گرفته‌اند؛ گویی دادخواهانی هستند که برای گرفتن نظر مساعد ارباب، دست به دامان او شده‌اند. این صحنه، بازنمایی «کدخدایی آمریکا» در روابط بین الملل است؛ همان مفهومی که سال‌ها در ادبیات سیاسی منطقه ما مطرح بوده و بر برخی برای توجیه وابستگی‌های خود به آن استناد کرده‌اند.

اما چرا اروپا با همه امکانات و ظرفیت‌هایش، چنین موقعیتی را پذیرفته است؟ دلیل را باید در سه محور جست‌وجو کرد: نخست، وابستگی امنیتی اروپا به چتر ناتو که ستون اصلی آن آمریکا است؛ دوم، بحران‌های اقتصادی و انرژی که توان تصمیم‌گیری مستقل را از اروپا سلب کرده؛ و سوم، فقدان رهبری واحد و قدرتمند در قاره سبز. در چنین شرایطی، طبیعی است که سران اروپا، به جای ایستادن در برابر ترامپ، ترجیح دهند در صف بنشینند و سخنان او را بشنوند، حتی اگر در دل با بسیاری از تصمیماتش مخالف باشند. این رفتار، تنها به معنای ضعف اروپا در برابر آمریکا نیست؛ بلکه حامل پیام مهمی برای دیگر بازیگران جهانی است. پیام این است که هنوز هم آمریکا می‌تواند با نمایش قدرت و با تکیه بر موقعیت هژمونیک خود، دیگران را در مقام تبعیت قرار دهد. حتی متحدانی که خود را شریک می‌نامند، در بزنگاه‌ها به موالیان بی‌صدا تبدیل می‌شوند.

برای ما در منطقه، این تصویر آموزنده است. سال‌هاست که تحلیلگران درباره اتکالی بی‌چون‌وچرای برخی کشورها به «کدخدا» سخن گفته‌اند. صحنه اخیر نشان داد که این وابستگی، تنها به جهان سوم محدود نیست؛ اروپا نیز، با همه ادعاهایش، در عمل ترجیح می‌دهد نقش «موالیان» را ایفا کند، نه شریک برابر. از منظر رفتاری، نشست جمعی مقابل ترامپ، با زبان بدن فروتنانه و نگاه‌های متزلزل، نه فقط یک اتفاق پروتکنی، که نمایشی از توازن قدرت بود؛ توازنی که هنوز به سود آمریکا سنگینی می‌کند و نشان می‌دهد که هژمونی سیاسی، حتی در دوره‌ای که مورد تردید قرار گرفته، همچنان قدرت بازتولید دارد. بااین حال، این صحنه را باید از زاویه دیگری هم دید: ضعف اروپا برای استقلال، فرصتی برای دیگر بازیگران است تا نقش فعال‌تری در نظم جدید جهانی ایفا کنند. اگر اروپا حاضر است نقش «موالی» را بپذیرد، دیگر قدرت‌ها می‌توانند در فضای خالی استقلال اروپا، روایت‌های تازه‌ای از همکاری و مشارکت عرضه کنند.

در نهایت، صحنه دیدار اخیر سران اروپایی با ترامپ، نه تنها خاطره‌ای گذرا، بلکه آینه‌ای از واقعیت روابط بین‌الملل بود: جایی که کدخدا همچنان در صدر می‌نشیند و موالیانش، به‌رغم همه ادعاها، در صف مقابل او جای می‌گیرند. تصویری که شاید برای مردم اروپا تلخ باشد، اما برای دیگر ملت‌ها درس روشنی دارد: استقلال، چیزی نیست که با شعار به دست آید، باید برایش هزینه داد؛ وگرنه در برابر کدخدا، جایی جز صف تابعان نخواهی داشت.

▼ تقدیر از مواضع بلاروس در جنگ ۱۲ روزه

پزشکیان در نشست هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور، ضمن قدردانی از مواضع صریح و قاطع لوکاشنکو در محکومیت حملات تجاوزکارانه رژیم اسرائیل و ایالات متحده آمریکا به خاک ایران و تاسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان، اظهار داشت: «سخنرانی جنابعالی در اجلاس سران اتحادیه اقتصادی اوراسیا بسیار اثرگذار بود، به‌ویژه آنجا که با اشاره به تجربه تلخ انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل، همدردی عمیق خود را با دولت و ملت ایران در قبال هدف قرار گرفتن مناطق غیرنظامی و تاسیسات هسته‌ای کشورمان ابراز کردید. رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا با نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد، اقدام به تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران کردند؛ حملاتی که در بحبوحه مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا پیرامون موضوع هسته‌ای رخ داد. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه آغازگر جنگ و تجاوز نبوده است، اما در صورت هرگونه تعرض دشمنان، پاسخ قاطع و یازدارنده خواهد داد. تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، بخشی از تلاش غرب برای گسترش نفوذ و سلطه جهانی است و این تهدیدها محدود به ایران نخواهد ماند؛ بلکه استقلال سایر کشورها را نیز هدف قرار خواهد داد.» رئیس‌جمهور با اشاره به اشتراک نظر دو کشور در مقابله با تحریم‌های غیرقانونی و حمایت از چندجانبه‌گرایی و حق حاکمیت کشورها خاطرنشان کرد: «جمهوری اسلامی ایران آماده است تجربیات ارزشمند خود را در مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها در اختیار دوستان و شرکای خود قرار دهد. نمایندگان ایران و بلاروس همواره در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی همکاری و رایزنی‌های نزدیکی داشته‌اند و تهران آمادگی دارد این همکاری‌ها را بیش از پیش تقویت کند. همان‌گونه که ایران با فدراسیون روسیه معاهده همکاری‌های راهبردی امضا کرده است، آمادگی داریم چنین چنین الگویی را در چارچوب روابط دوستانه و برادرانه با بلاروس نیز دنبال نماییم.»

▼ برای گسترش همکاری هیچ محدودیتی قائل نیستیم

رئیس‌جمهور در جریان نشست مشترک با لوکاشنکو، درباره روابط میان دو کشور اظهار داشت: «روابط با بلاروس در عالی‌ترین سطح ممکن پیگیری می‌شود و این سفر از نقاط عطف در روابط دو کشور است که نتایج آن را قطعاً در آینده و در روند رو به رشد همکاری‌ها شاهد خواهیم بود. بلاروس کشوری مهم در منطقه راهبردی اوراسیا و شریکی قابل اعتماد برای جمهوری اسلامی ایران است. نقشه راه جامع همکاری دو کشور (۲۰۲۴-۲۰۲۶) روند مناسبات را به خوبی روشن ساخته است و تلاش خواهیم کرد به‌طور کامل اجرایی شود؛ جمهوری اسلامی ایران اولویت بالایی برای توسعه مناسبات با جمهوری بلاروس قائل است. پزشکیان با اشاره به اینکه امروز مذاکرات خوبی با جناب آقای لوکاشنکو داشتیم و به توافقات خوبی رسیدیم، تصریح کرد: «در خصوص روابط دو جانبه، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، رایزنی و تبادل نظر کردیم و در بسیاری از موضوعات از نقطه نظرات مشترکی بر‌خور داریم. مایلیم تأکید کنم که جمهوری اسلامی ایران برای تقویت روابط خود با بلاروس هیچ محدودیتی قائل نیست و در این ارتباط از اجرای کامل نقشه راه روابط دو کشور که در جریان سفر قبلی رئیس‌جمهور بلاروس به تهران به امضا رسید، حمایت می‌کنیم.» رئیس‌جمهور با بیان اینکه خوشبختانه مقامات و وزرای دو کشور طی یک‌سال اخیر تعاملات بسیار خوبی با یکدیگر داشتند و گام‌های بزرگی در جهت گسترش روابط برداشته‌اند، به برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور در ماه‌های اخیر در مینسک اشاره کرد و گفت: «امیدواریم با اسنادی که در این سفر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و حقوقی به امضا رسید، بتوانیم همکاری‌های مشترک و مفید را بیش از پیش تحکیم بخشیم.» پزشکیان توسعه مناسبات در زمینه‌های گمرکی، انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک، افزایش حجم ترانزیت کالا و مسافر، حل مشکلات مرتبط با فعالیت بخش‌های خصوصی و تأمین کالاهای مورد نیاز طرفین را از موضوعات مورد تفاهم برشمرد و خاطرنشان کرد: «امیدواریم با تلاش طرفین نتایج آن را در توسعه و گسترش حجم تجارت دو کشور شاهد باشیم.»



سیگنال‌های GPS مشاهده می‌شود، به دلیل ملاحظات امنیتی و احتمال حضور پهپادهاست. این اختلالات باعث شده که هم کیفیت ارتباطات و هم کسب‌وکارهای مرتبط با این حوزه‌ها تحت تأثیر قرار گیرد. به‌طور طبیعی، این موضوعات مشکلاتی را در ارائه خدمات به مردم ایجاد کرده است. ما در حال رایزنی و تلاش برای رفع این مشکلات به صورت گام به گام هستیم تا کیفیت خدمات به مردم بهبود یابد.»

هاشمی همچنین از پیگیری موضوع رفع فیلترینگ نیز خبر داد. او گفت: «این موضوع تأکید رئیس‌جمهور بوده و هست و ما هم در وزارت ارتباطات آن را به جد دنبال می‌کنیم، البته به‌طور طبیعی در شرایط جنگ لزوم حفظ ارتباطات موجود و اولویت‌هایی که وجود داشت، برخی محدودیت‌ها ایجاد کرد ولی این بدان معنا نیست که موضوع رفع محدودیت‌های فضای مجازی و فیلترینگ اینترنت از دستور کار دولت خارج شده باشد. موضوع فیلترینگ در جلسات مختلف کماکان پیگیری می‌شود و از منظر حکمرانی به اعتقاد ما برخی محدودسازی که از سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاد نه تنها کمکی به (تقویت) حکمرانی نکرده بلکه چالش‌هایی هم برایش ایجاد کرده است. در بحث حکمرانی در کشور و نظام ما مردم جایگاه ویژه‌ای دارند ولی این محدودیت‌ها نه تنها حکمرانی ما را ارتقا نداده که باعث تنزل آن هم شده است.»

محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت نیز درباره خبر برخی رسانه‌های غربی مبنی بر سرگردان بودن ۱۲۰ میلیون لیتر نفت ایران بر روی آب، گفت: «این شایعات شوخی است و نباید جدی گرفته شود. ما حتی یک بشکه نفتی که نتوانیم بفروشیم روی آب نداریم. تمام آنچه که روی آب است، برنامه‌ریزی شده و متناسب با شرایط بازار است.»

حسین سیمایی صراف، وزیر علوم هم در حاشیه حیات دولت خبر داد که «گزارش بازنگری سهمیه‌های کنکور در هفته جاری در اختیار رئیس‌جمهور قرار گرفت و به زودی برای سیر مراحل تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال می‌شود.» وزیر علوم همچنین درباره آغاز با تأخیر سال تحصیلی جدید نیز گفت: «حضور دانشجویان جدید از هفته سوم مهرماه انجام می‌شود چراکه منتظر سوابق تحصیلی هستیم که وزارت آموزش و پرورش باید اعلام کند و متأسفانه تا تأخیر به دست ما رسیده است.»



عکس نوشت

کار پر کرده کی بود دشوار

درباره محمدعلی ابطی سیاستمداری که عکاسی می‌کند

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

یکی دو روز پیش روز جهانی عکاس بود. به همین مناسبت عکس نوشت امروز را خیلی بی ربط تقدیم می‌کنم به یکی از پیشکسوتان عرصه سیاست و عکاسی.

روزی از روزها بهرام گور قصد شکار کرد. سوار بر اسب در صحرا می‌تاخت و گور بر زمین می‌انداخت. از آنجایی که رسم این بود که شاه با خدم و حشم و همراه و ملازم به شکار برود، بهرام هم در این قصد تنها نبود. اما در میان همه همراهان کنیزی «تنگ چشم تاتاری» شما بخوانید چینی هم بود که دل بهرام را برده بود. در حقیقت حضور آن زن بود که عرق النساء شاه را برانگیخته بود و چیزی نمانده بود که هر چه گور بر روی زمین است هلاک شود. با این همه کنیز از آن بدقلق‌های سرکش دنیا دیده بود که به این راحتی‌ها رام نمی‌شد. شاه که دید اوضاع خراب است و هر چه گور بر زمین می‌زند به چشم کنیز نمی‌آید بی اعصاب شد. در همین احوال بود که در دوردست رد گوری در صحرا پیدا شد. روبه کنیز کرد و گفت اگر چه بعید است که بتوانی با آن چشم تنگ گور را ببینی اما می‌خواهی شکارش کنم و با یک تیر به زمینش زنم؟ کنیز هم نه گذاشت و نه برداشت گفت اگر راست می‌گویی سم این گور را به گوشش بدوز. دردسرتان ندهم، خلاصه آنکه چند دقیقه بعد گور بی‌نوا سم به گوش دوخته آمده بود. بهرام توقع داشت که کنیز از جا بلند شود و شروع به تشویق بی‌امانش کند. کنیز اما دوباره با بی‌اعتنایی زاید‌الوصفی روبه شاه کرد: گفت، پر کرده شهریار این کار / کار پر کرده کی بود دشوار».

بود دشوار؟ کار می‌زدی خون بهرام در نمی‌آمد، با این حال خونس به جوش آمد و دستور کشتن کنیز داد. قصه دراز است و مجال عکس‌نوشت کوتاه، اما همین قدر بگویم که کنیز سر جلد را گول مالید و در عمارتی خانه کرد که شصت پله داشت. در آن خانه گوساله‌ای نوزاد بود که کنیز هر روز آن را بر دوش می‌گرفت و شصت پله را بالا می‌رفت و این کار را آنقدر ادامه داد تا گوساله، گاو شد و... در این زمان به ترتیبی بهرام را به آن خانه کشاندند تا شیرین‌کاری دختر را ببیند. بهرام اما همین که کنیز را در آن حال دید گفت: کار ویژه‌ای نمی‌کنی، در حقیقت «کار پر کرده کی بود دشوار».

در همین احوال بود که کنیز روبند از رو بر کند و رو به بهرام کرد و گفت من هم همین را گفتم و شما قصد جانم کردی. قصه بهرام و کنیز به خوشی تمام می‌شود و... اما همه هر بار که عکسی از محمدعلی ابطی می‌بینم یاد این قصه می‌افتم. دلم می‌خواهد به دل ادبیات سفر کنم و بهرام و کنیز را از میان کتاب‌ها بیرون بکشم و بگویم کجای کارید. این آقا مصداق دقیق مثال نغز «کار پر کرده کی بود دشوار» است. ولله بالله تالله تا جایی که حقیر فقیر سراپا تقصیر به‌یاد دارد آقای ابطی دوربین به دست گرفته و در خلوت و جلوت از بزرگان مملکت عکس و فیلم گرفته. اما در همه این سال‌ها دریغ از ذره‌ای پیشرفت. دریغ از اندکی ذوق عکاسانه و دریغ از سر سوزنی زیبایی‌شناسانه.

